



# کلیات و فنون ادبی

مجموعه ادبیات

مؤلف:

دکتر عطاالله کوپال

دکتر کوپال

کوپال، عطاالله

کلیات و فنون ادبی رشته ادبیات/ عطاالله کوپال

مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۱

۲۰۳ ص: (آمادگی آزمون دکتری مجموعه ادبیات)

ISBN:978-600-458-640-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

فارسی - چاپ اول

۱- کلیات و فنون ادبی ۲- آزمونها و تمرینها (عالی) ۳- آزمون دوره های تحصیلات تکمیلی

۴- دانشگاهها و مدارس عالی - ایران - آزمونها

عطاالله کوپال

ج - عنوان

کتابخانه ملی ایران ۴۴۲۰۵۲۰



انتشارات مشاوران صعود ماهان



- نام کتاب: ..... کلیات و فنون ادبی
- مولف: ..... دکتر عطاالله کوپال
- مدیران مسئول: ..... هادی و مجید سیاری
- مسئول برنامه ریزی و تولید محتوا: ..... سمیه بیگی
- ناشر: ..... مشاوران صعود ماهان
- نوبت و تاریخ چاپ: ..... اول / ۱۴۰۱
- تیراژ: ..... ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ..... ۲/۴۹۰/۰۰۰ ریال
- شابک: ..... ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۶۴۰-۵

انتشارات مشاوران صعود ماهان: تهران - خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع ولیعصر مطهری، پلاک ۲۰۵۰

تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳ و ۸۸۴۰۱۳۱۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه آموزش عالی آزاد ماهان می باشد. و هرگونه اقتباس و کپی برداری از این اثر بدون اخذ مجوز پیگرد قانونی دارد.

بر نام تو

ایمان دارم که هر تغییری و تحول بزرگی در مسیر زندگی بدون تحول معرفت و نگرش میسر نخواهد بود. پس بیایید با اندیشه توکل، تفکر، تلاش و تمم در توسعه دنیای فخریمان برای نیل به آرامش و آسایش توأمان اولین گام را برداریم.

چون همگی یقین داریم دانایی، توانایی می آورد.

**شاد باشید و دلی را شاد کنید.**

**برادران سیاری**



## فهرست مطالب جلد اول

۸	پیشینه و تاریخچهٔ زبان فارسی
۹	فارسی باستان
۹	زبان‌های ایرانی دورهٔ میانه
۱۱	زبان فارسی میانه
۱۴	زبان و خط اوستایی
۱۶	فارسی دری
۱۸	شاعران برجستهٔ سبک خراسانی
۲۰	دیگر شاعران سبک خراسانی
۲۶	شاعران برجستهٔ سبک آذربایجانی
۲۷	شاعران برجستهٔ سبک عراقی
۳۳	شاعران حد واسط سبک عراقی و هندی
۳۶	شاعران دورهٔ بازگشت
۳۸	دورهٔ مشروطیت
۴۸	انواع نثر
۴۹	انواع شعر
۵۱	عروض
۱۱۴	علم قافیه
۱۲۰	آرایه‌های ادبی
۱۲۱	علم بیان
۱۲۱	مجاز
۱۲۵	تشبیه
۱۳۴	پرسش‌های طبقه‌بندی شدهٔ جلد اول
۱۵۲	آزمون اول خودسنجی ماهان (۲۵٪ اول)
۱۵۶	پاسخنامه تشریحی آزمون اول خودسنجی ماهان (۲۵٪ اول)
۱۶۰	آزمون دوم خودسنجی ماهان (۲۵٪ دوم)
۱۶۳	پاسخنامه تشریحی آزمون دوم خودسنجی ماهان (۲۵٪ دوم)
۱۶۶	آزمون سوم خودسنجی ماهان (۵۰٪ اول)
۱۶۹	پاسخنامه تشریحی آزمون سوم خودسنجی ماهان (۵۰٪ اول)
۱۷۴	آزمون چهارم خودسنجی ماهان (۲۵٪ سوم)
۱۷۸	پاسخنامه تشریحی آزمون چهارم خودسنجی ماهان (۲۵٪ سوم)
۱۸۲	آزمون پنجم خودسنجی ماهان (۵۰٪ دوم)
۱۸۶	پاسخنامه تشریحی آزمون پنجم خودسنجی ماهان (۵۰٪ دوم)
۱۸۹	آزمون ششم خودسنجی ماهان (جامع اول)
۱۹۲	پاسخنامه تشریحی آزمون ششم خودسنجی ماهان (جامع اول)
۱۹۶	آزمون هفتم خودسنجی ماهان (جامع دوم)
۱۹۹	پاسخنامه تشریحی آزمون هفتم خودسنجی ماهان (جامع دوم)
۲۰۲	فهرست منابع و مآخذ



### مقدمهٔ مولف

مجموعهٔ پیش رو، برای داوطلبان آزمون‌های دکتری ادبیات فارسی، به صورت درسنامه و پرسش‌های چهار گزینه‌ای آزمون‌های سال‌های گذشته، به همراه پاسخنامهٔ تشریحی تألیف شده است و به عنوان منبعی علمی، برای آشنایی با مباحث امتحانی کنکور دکتری کاربرد دارد. جلد اول این مجموعه، یعنی کتاب حاضر، شامل بخش نخست از مباحث کلیات و فنون ادبی است و عنوان‌های اصلی آن مربوط به پیشینهٔ زبان فارسی، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی شعر و نثر فارسی، عروض و قافیه و علم بیان است. فصل‌های گوناگون این کتاب، با مراجعه به اصلی‌ترین منابع مربوط به این علوم، تدوین گشته است و کوشش شده تا کلیهٔ مباحث، با ارجاع و استناد به کتب و مراجع معتبر مطرح گردد و دانشجویان گرامی با مطالعهٔ این کتاب بتوانند مروری جامع، کلی و بدون حواشی زائد، بر منابع علمی ادب فارسی به عمل آورند.

امید است کتاب حاضر، ضمیر و اندیشهٔ جویندگان دانش را اقناع کند و راهنمای مفیدی برای راه‌یابی به دوره‌های پیشرفتهٔ تحصیلی به شمار آید.

دکتر عطاالله کوپال

### پیشینه و تاریخچه زبان فارسی

هر گونه آشنایی با ادب فارسی مبتنی بر آشنایی با زبان فارسی و به تبع آن مبتنی بر آشنایی با پیشینه و تاریخچه این زبان است. سرزمین ایران، نام خود را از قوم آریایی مهاجری برگرفته است که خود، شاخه‌ای از قوم بزرگتری به نام هند و اروپایی بوده است که تقریباً در جنوب روسیه اقامت داشته و به علت سرمای هوا، به مرور زمان به نواحی گرمتر جنوبی کوچ کرده است. کلمه «آریا» از نظر دینی به معنی پرستنده و قربانی دهنده و از لحاظ اصطلاح قدیم ایرانی، به معنی شریف، نجیب، آقا، مالک و صاحب اختیار است (مشکور، ۱۳۶۹: ص ۵۸). سخنوران زبان‌های قوم هند و اروپایی همه از نژاد سفید بوده‌اند. اگرچه، شعبه‌هایی که در مناطق جنوبی‌تر و گرم‌تر سکونت دارند، اندکی سیه چرده‌تر هستند (خانلری، ۱۳۶۶/ ص ۱۲۴).

از زبان هند و اروپایی مادر، که احتمالاً در حدود پنج هزار سال پیش از میلاد در جنوب روسیه و شمال شرقی ایران به کار می‌رفته، هیچ سند مکتوبی در دست نیست و وجود آن بر اساس، مقایسه میان زبان‌های مکتوب کهن و زبان‌های موجود این خانواده زبانی در عصر حاضر، فرض شده است. یکی از شاخه‌های مهمی که از خانواده زبان‌های هند و اروپایی سرچشمه گرفته است، خانواده زبان‌های هند و ایرانی است (صفوی، ۱۳۶۷/ ص ۱۸) آریاها که در واقع با نام قوم هند و ایرانی شناخته می‌شوند، در حدود نیمه قرن دوم پیش از میلاد (حدود هزار و پانصد سال پیش) به سمت ایران و هند مهاجرت کردند. در کتاب «ریگ ودا»ی هندی سکونتگاه اصلی این قوم «آری ورتَه» (Aryavata) و در زبان اوستایی، سکونتگاه آریاییان «آئه رین وئجه» (Aerian Vaeja) نامیده شده که کلمه ایران از همین ریشه برگرفته شده است. عصری را که آریاهای هندی و ایرانی باهم می‌زیستند و هنوز آداب و رسوم یکدیگر را فراموش نکرده بودند عصر ودایی می‌نامند و علت این نامگذاری به مجموعه کتاب‌های ودایی برمی‌گردد که کهن‌ترین متن مکتوب آریایی به شمار می‌آیند.

آریایی‌هایی که وارد فلات ایران شدند (حدود سه هزار سال پیش) زبانی مستقل داشتند اما فاقد خط بودند. پیش از اینکه این قوم وارد سرزمین تاریخی خود بشوند و نام خود را به این سرزمین بدهد، اقوام و ملت‌های دیگری در فلات ایران و نواحی حاشیه‌ای آن، ساکن بودند که هر یک، از قرن‌ها پیش‌تر، تمدن و فرهنگ درخشانی برپا کرده بودند و زبان و ادبیاتی داشتند که بعدها ایرانیان باستان از آنها بهره‌مند شدند. از جمله این اقوام که خط و زبان مستقل داشتند می‌توان از سومری‌ها، بابلی‌ها، و آشوری‌ها نام برد که در غرب و جنوب ایران در منطقه بین‌النهرین سکونت داشتند و بی‌گمان باید سومریان را پایه‌گذار خط در جهان به شمار آورد که این اختراع خود را بعدها به تمام جهان بسط دادند.

اما قوم دیگری که در منطقه خوزستان کنونی ساکن بود و خط و زبان مستقل داشت، عیلامیان بودند. عیلامیان از حدود ۳۲۰۰ پیش از میلاد در این منطقه مستقر شدند و بر اساس خط میخی سومری، خط میخی دیگری را شبیه به آن پدید آوردند که به زبان عیلامی نوشته می‌شد. شکل نوشتار در این نوع خطوط، بدین صورت بود که با وسیله‌ای چوبی یا فلزی شبیه به میخ روی لوحه‌های گلی نرم، علائمی را حک می‌کردند که تصویری همانند میخ ایجاد می‌کرد و به همین دلیل به این نوع خطوط که هم در بین‌النهرین و هم در ایران تا پایان دوره هخامنشی رایج بود، خط میخی گفته می‌شود.

لوح‌ها و سنگ‌نوشته‌های عیلامی در نقاط مختلفی از سرزمین پهناور ایران یافت شده است. نمونه‌های این خط باستانی در شهر سوخته در سیستان و بلوچستان، تپه سیلک در کاشان، کتیبه بیستون در کرمانشاه و زیگورات چغازنبیل در خوزستان کشف شده است.

تمدن عیلامی، توسط آشوری‌ها و تمدن آشوری، توسط مادها سرنگون شد. از حدود ۷۲۸ پیش از میلاد، مادها نخستین فرمانروایی سراسری را در ایران برپا کردند. پادشاهی ماد، نخستین دولت ایرانی است که به موجب سالنامه‌های دولت‌های بین‌النهرین و نوشته‌های هرودوت، مورخ یونانی، از آن اطلاعاتی در دست داریم. اما هیچ نوشته‌ای از زبان مادی بر جا نمانده است. تنها تعدادی لغت از این زبان در «فارسی باستان» و «یونانی» باقی مانده است (ابولقاسمی، ۱۳۸۱: ص ۱۹). مأخذ مهم اطلاعات ما از زبان مادی واژه‌هایی است که در کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی بر جای مانده است (باقری، ۱۳۸۳/ ص ۴۴)، از میان واژه‌های مادی می‌توان به کلماتی همچون «بزرگ»، «شاه»، «میترا» و «سنگ» اشاره کرد (صفوی، ۱۳۶۷/ ص ۳۳).





### فارسی باستان:

این زبان در دوره باستان در نواحی جنوبی ایران (ایالت پارس) رواج داشت. به همین دلیل آن را «فارسی» نیز خوانده‌اند. آثاری که از این زبان به جامانده بر روی کتیبه‌های سنگی، لوح‌های گلی، کاشی‌ها و سکه‌ها و مهرها حک شده است. مهم‌ترین اثری که از فارسی باستان به جا مانده کتیبه داریوش بزرگ بر کوه بیستون است و متن آن، به حقایق تاریخی از آن دوره اشاره دارد. (بیستون تغییر شکل یافته بهستان = بغستان است). علاوه بر نوشته‌های این کتیبه، نقش برجسته‌ای هم بر فراز آن کنده کاری شده که بیان‌کننده پیروزی داریوش بر دشمنانش است. کتیبه بیستون به سه زبان نوشته شده: فارسی باستان، عیلامی و اکدی. زبان عیلامی در خوزستان امروزی رایج بوده است و به تمدن کهن عیلامی تعلق دارد که از حدود ۳۲۰۰ پیش از میلاد تأسیس شد و به دست مادها سرنگون گردید. زبان عیلامی این کتیبه، «عیلامی نو» نامیده می‌شود که تا سده چهارم پیش از میلاد، نوشته‌هایی از آن به دست آمده است. اغلب کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی، روایت عیلامی هم دارد. زبان اکدی در زمرة زبان‌های «سامی» است که در منطقه میان‌رودان (بین النهرین) رایج بوده است. هر سه روایت کتیبه بیستون، در هر یک از این زبان‌ها، با علائمی شبیه میخ نوشته شده است، اما با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. کتیبه فارسی باستان در زیر نقش برجسته بیستون، در پنج ستون کنده شده است.

خط میخی فارسی باستان دارای ۳۶ حرف، ۲ واژه جداکن و ۸ اندیشه‌نگار بوده است. هر یک از حروف الفبای میخی فارسی باستان (به جز سه حرفی که برای نشان دادن مصوت‌ها به کار می‌رفته است)، مصوتی هم به همراه دارد. به همین علت، این الفبا هجایی است، زیرا ارزش صوتی هر علامت برابر یک صامت و یک مصوت است. البته حروف فارسی باستان می‌توانند به صورت الفبایی هم به کار روند. یعنی هر «نویسه» به صورت بالقوه می‌تواند معادل یک صامت یا مصوت نیز باشد. واژه جداکن‌ها، در حد فاصل میان دو واژه قرار می‌گیرند و اندیشه‌نگارها بر مفاهیم خاصی مثل: شاه، خدا، زمین، سرزمین، و هورامزدا دلالت می‌کنند. خط فارسی باستان از چپ به راست نوشته می‌شده است و در اوایل سده نوزدهم میلادی دانشمندان اروپایی موفق به خواندن آن شدند. (ابولقاسمی، ۱۳۸۳/ص ۷۰). کتیبه‌های فارسی باستان بیانگر زبان رسمی و ادبی درباری هستند و نمی‌توان با اطمینان چنین پنداشت که زبان این کتیبه‌ها، زبان مردم عادی آن روزگار بوده باشد (رودریگر اشمیت، ۱۳۸۲/ص ۱۱۰). ضمناً زبان اداری و دولتی در ادارات بی‌شمار مرکزی یا محلی در پادشاهی هخامنشی، زبان آرامی بوده است که به خط آرامی نیز نوشته می‌شد. بی‌گمان کتیبه‌های هخامنشی را می‌توان نخستین جلوه‌های مکتوب تولید ادبیات در میان اقوام آریایی ایران زمین به شمار آورد.

علاوه بر فارسی باستان، فرض‌هایی مبنی بر وجود زبان‌هایی چون بلخی باستان، سغدی باستان، خوارزمی باستان و پارتی باستان در سرزمین ایران مطرح است، اما به جز چهار زبان مادی، سکایی، اوستایی و فارسی باستان، سند و مدرکی از آن‌ها به دست نیامده است و از بین این چهار زبان اخیر نیز، از فارسی باستان و اوستایی، اطلاعات بیشتری در اختیار داریم.

### زبان‌های ایرانی دوره میانه:

زبان‌هایی که در حد فاصل بین زبان‌های باستانی و زبان‌های دوره اخیر ایران، یعنی از پایان شاهنشاهی هخامنشی تا آغاز اسلام، در سرزمین پهناور ایران به کار می‌رفته است، با نام زبان‌های دوره میانه مشخص می‌شوند (خانلری، ۱۳۶۶/ص ۲۰۱). زبان‌های دوره میانه، به دو بخش غربی شامل فارسی میانه و پارتی میانه و بخش شرقی شامل بلخی، سکایی میانه، سغدی میانه و خوارزمی تقسیم می‌شود.

### زبان‌های ایرانی میانه گروه شرقی

زبان‌های ایرانی متعلق به گروه شرقی که از آنها آثاری باقی مانده است، عبارتند از سغدی، سکایی، بلخی و خوارزمی، که به شرح هر یک خواهیم پرداخت.

۱- سغدی: مرکز سغد، شهر سمرقند بوده است. این سرزمین یکی از استان‌های امپراتوری هخامنشیان بود. آثار باقیمانده به خط و زبان سغدی: ۱- آثار مربوط به دین بودا ۲- آثار مربوط به دین مانی و ۳- آثار مربوط به دین مسیح هستند.

- ۲- سکایی: از این خط و زبان نوشته‌های طبی و نامه‌های تجاری و داستان باقی مانده است.
- ۳- بلخی: کتیبه سرخ کتل و تعدادی کتیبه دیگر به این خط و زبان به جا مانده.
- ۴- خوارزمی: زبان خوارزمی تا زمان حمله مغول رواج داشته. در آثار به دست آمده، در شکل الفبایی که از اصل آرامی گرفته شده است، «هزوارش» وجود دارد.

### زبان‌های ایرانی گروه میانه غربی

زبان‌های گروه میانه غربی به دو زبان شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. نخست «زبان ایرانی میانه غربی شمالی» که زبان ایالت باستانی «پارت» بوده است. نام این سرزمین در کتیبه داریوش «ParOwa = پرتو» ذکر شده. این زبان را «پهله» نیز می‌گفتند. دوم «زبان ایرانی میانه غربی جنوبی» زبان ایالت پارس است که در کتیبه‌های فارسی باستان به صورت «Parsa = پارس» ذکر شده است.

زبان‌های ایرانی میانه غربی را به طور کلی «پهلوی» نیز می‌خوانند. واژه پهلوی، صورت تحول یافته واژه «پرتو» می‌باشد. این واژه به مرور زمان تغییر گویش یافته و به صورت «پهلَو» در آمده است. پرتو که امروزه به اختصار پارت نامیده می‌شود، ناحیه‌ای بود که در خراسان بزرگ قرار داشت. نام ایالت پارت در سنگ نوشته داریوش در بیستون نیز به صورت پرتو آمده است (مشکور- رجب‌نیا، ۱۳۶۷/ ص ۱۰۳). از آنجا که اولین سلسله ایرانی پس از هخامنشیان، اشکانیان بودند، زبان رسمی و اداری رایج در دوره حکمرانی آنها به پهلوی «اشکانی» معروف است (باقری، ۱۳۸۳/ ص ۸۱). هیچ نوشته ادبی به زبان پارتی (پهلوی اشکانی)، چه دینی و چه غیردینی از دوره پادشاهی اشکانیان به جا نمانده است. در این دوره اسناد و نامه‌ها در آغاز به زبان آرامی، که زبان دیوانی دوران هخامنشیان بود نوشته می‌شد (تفضلی، ۱۳۷۷/ ص ۷۵). همچنین نخستین پادشاهان اشکانی خود را دوستدار یونان می‌نامیدند و زبان یونانی تا دوره بلاش اول در میانه سلسله اشکانی، یکی از زبان‌های رسمی اشکانیان بود اما از دوره بلاش اول، ایران دوستی، جانشین یونان دوستی شد.

الفبای پهلوی اشکانی به عنوان خط رسمی اشکانیان از آرامی اقتباس شده بود. گفته شده که به دستور بلاش اول در آن دوره، اوستا گردآوری و تدوین شد. اما این نخستین متن اوستا که تحریر شده و در تاریخ ثبت گردیده، متأسفانه به دست ما نرسیده ولی می‌توان گفت که به یکی از انواع الفباهای آرامی نوشته شده بود (آرانسکی، ۱۳۵۸/ ص ۱۵۷).

آثار مکتوب عهد اشکانی به زبان پارتی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

**الف:** آثاری که به خط پارتی و با الفبای پهلوی اشکانی نوشته شده و

**ب:** آثاری که به خط مانوی نگارش یافته‌اند و به متون تورفانی مشهورند. دلیل این نامگذاری آن است که این متون در حفاری‌های شهر تورفان در جنوب غربی چین یافت شده‌اند.

علاوه بر این، در دوره ساسانی در کنار متن فارسی میانه کتیبه‌های پادشاهان، ترجمه آن به پارتی میانه نیز دیده می‌شود که البته با الفبای فارسی میانه کتیبه‌ای (مربوط به دوره ساسانی) نوشته شده‌اند. همچنین از دوره ساسانی دو اثر ادبی با الفبای فارسی میانه کتابی در دست است که به زبان پارتی میانه نوشته شده‌اند. این دو اثر عبارتند از «یادگار زریران» که کتابی است درباره جنگ دینی گشتاسب با ارجاسب و دیگری «درخت آسوریک» که کتابی است درباره مناظره درخت خرما (آسوریک = آشوری) با بُز. این دو اثر در اصل منظوم بوده‌اند، ولی بر اثر دستکاری، صورت منظوم آنها به هم خورده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳/ ص ۱۲۵).

مهم‌ترین آثاری که با الفبای پهلوی اشکانی نوشته شده‌اند، عبارتند از:

کتیبه‌ها، سکه‌ها، سفالینه‌های نسا (نزدیک عشق آباد)، قباله‌های اورامان که بر روی پوست نوشته شده‌اند، اسناد دورا-اوروپوس (Dura-Europos) در سوریه امروزی نزدیک مرز عراق که شامل دیوار نگاره‌ها و سفالینه‌ها است (باقری، ۱۳۸۳/ ص ۷۶). بسیاری از واژه‌های این زبان به کمک شاعران اهل خراسان وارد فارسی نوین (دری) شد. از جمله: فرشته، انجام، انجمن، پور، چهر، فرزانه، فرجام، خدیو، مژده، پیغام و... (صفوی، ۱۳۶۷/ ص ۷۶). الفبای پهلوی اشکانی از راست به چپ، و حرف‌های آن جدا از هم نوشته می‌شد.



اگرچه از دوره اشکانی، آثار ادبی به جا نمانده است، اما باید در نظر داشت که ادبیات این دوره به صورت شفاهی حفظ می‌شد. قصه‌گویان و نقالان، افسانه‌ها را سینه به سینه نقل می‌کردند. گروهی از آنان گوسان (Gosan) نام داشتند. اینان خنیاگران دوره‌گردی بودند که داستان‌ها را به صورت شعر نقل می‌کردند. گوسان‌ها، حافظ داستان‌ها ملی ایران بوده‌اند و همین شاعران و موسیقی‌دانان دوره‌گرد، داستان‌های این دوران را به عهد ساسانی منتقل کرده‌اند و این داستان‌ها بعدها بخشی از منابع خدای‌نامه پهلوی را تشکیل داده‌اند که نهایتاً در شاهنامه فردوسی منعکس شده است. از میان داستان‌هایی که در ادبیات فارسی (بعد از اسلام) بر جای مانده، منظومه عاشقانه ویس و رامین، سروده فخرالدین اسعد گرگانی، ریشه و اصل پارتی دارد. همچنین احتمال داده می‌شود که برخی داستان‌های شاهنامه، مثل داستان بیژن و منیژه که دارای بن‌مایه‌های عاشقانه است، اصل پارتی داشته باشد.

### زبان فارسی میانه:

فارسی میانه دنباله زبان فارسی باستان است و به آن پهلوی ساسانی نیز گفته‌اند. این زبان در دوره ساسانیان، زبان رسمی و اداری ایران بوده است.

از این زبان چهار نوع اثر به چهار الفبای مختلف به جا مانده است:

۱- کتیبه‌های شاهان و رجال ساسانی با «الفبای کتیبه‌ای» نوشته شده‌اند. به زبان این کتیبه‌ها فارسی میانه کتیبه‌ای می‌گویند.

۲- زبور پهلوی عبارت است از ترجمه بخشی از زبور (سروده‌ها و مزامیر حضرت داوود نبی)، که به زبان فارسی میانه مسیحی و به «الفبای زبوری»، از میان نوشته‌های مسیحیان ایران در دوره ساسانی به جا مانده است.

۳- نوشته‌های زرتشتیان که به زبان فارسی میانه زردشتی و به «الفبای کتابی» نوشته شده‌اند که شامل متون دینی و غیردینی می‌شود.

۴- نوشته‌های مانویان از منطقه تورفان در جنوب غربی چین، در اوایل قرن بیستم پیدا شده است. این نوشته‌ها به زبان فارسی میانه مانوی و با «الفبای مانوی»، به خطی نوشته شده‌اند که از الفبای آرامی اقتباس شده است. از خط مانوی، در نوشتن آثاری به زبان پهلوی اشکانی هم استفاده شده است. الفبای همه خطوطی که بدان‌ها اشاره شد، از راست به چپ نوشته می‌شد (ابولقاسمی، ۱۳۸۱/ص ۷۳).

## آثار به جا مانده به زبان فارسی میانه:

الف - کتیبه‌ها: کتیبه‌هایی که در آغاز دوره ساسانی نوشته شده‌اند، اغلب با ترجمه‌هایی به زبان پهلوی اشکانی و به یونانی همراه بوده است.

برخی از مهم‌ترین این کتیبه‌ها عبارتند از:

- ۱- کتیبه اردشیر اول در نقش رستم
- ۲- کتیبه‌های شاپور اول در نقش رجب، در کعبه زردشت و در حاجی آباد. (همه این مکان‌ها، نزدیک تخت جمشید هستند).
- ۳- کتیبه هرمز در نقش رستم
- ۴- کتیبه نرسی در پایکولی در کردستان عراق
- ۵- کتیبه‌های کرتیر، روحانی زردشتی در زمان شاپور اول در سر مشهد نزدیک کازرون، در نقش رستم، در نقش رجب و در کعبه زردشت. این کتیبه‌ها فقط به زبان فارسی میانه نوشته شده‌اند.
- ۶- کتیبه مهر نرسی، صدراعظم زمان یزدگرد اول یا یزدگرد دوم. این کتیبه‌ها نیز فقط به فارسی میانه نوشته شده و ترجمه یونانی و پهلوی اشکانی ندارد.
- ۷- دیوار نوشته‌های شهر دورا آروپوس (در سوریه کنونی در کنار فرات) مربوط به دوره شاپور اول

ب- نوشته‌های زردشتیان، شامل:

- ۱- متون زند: به ترجمه و تفسیر کتاب اوستا، به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، زند اوستا می‌گویند. از نظر زردشتیان، ترجمه اوستا به پهلوی نیز به همان اعتبار و اهمیت متن اوستا بود (تفضلی، ۱۳۷۷/ص ۱۱۷).
- ۲- متون دینی فارسی میانه:

مهم‌ترین کتاب‌های این بخش عبارتند از: دینکرد (تکالیف و اعمال دینی)، بندهش (اساس و بن خلقت)، ارداویرافنامه، روایات پهلوی، شایست نشایست، گزیده‌های زادسپرم، مینوی خرد، گزارش گمان شکن، جاماسب نامه، پندنامه زردشت، ماه فروردین روز خرداد، گجستک ابالیس، نامه‌های منوچهر، یوست فریان، دادستان دینیک (باقری، ۱۳۸۳/ص ۱۰۱).

۳- اندرزنامه‌های پهلوی:

مهم‌ترین اندرزنامه‌ها عبارتند از:

اندرز بزرگمهر، اندرز اوشنر دانا، اندرز آذرباد مهر اسپندان، اندرز خسرو قبادان، اندرز پوریوتکیشان (ابولقاسمی، ۱۳۸۱/ص ۷۰). در کتاب‌های اخلاقی و آموزشی فارسی مانند قابوس‌نامه، بحرالغواید، نصیحه الملوک و اخلاق ناصری، از اندرزنامه‌ها و پندنامه‌های عصر ساسانی کم و بیش استفاده شده است.

۴- متون غیردینی پهلوی:

متون غیردینی پهلوی نیز به دودسته تقسیم می‌شود: یکی اندرز نامه‌های پهلوی و دیگر کتب و رسالاتی که درباره موضوعات متعدد تألیف و تدوین شده‌اند.

اندرزنامه‌ها که بخش مهمی از ادبیات فارسی میانه را تشکیل می‌دهند، اهمیت ادبیات اندرزی در ایران را که موضوع آن‌ها اخلاق و پند و امثال و حکم است، نشان می‌دهد. بیشتر این اندرزنامه‌ها به بزرگان و حکیمان و فرزنانگان نسبت داده شده است. مانند: اندرز بزرگمهر، اندرز آذر باد مهراسپندان، اندرز دانایان به مزدیسنان. کتب و رسالات متعددی نیز به زبان پهلوی در زمینه‌های غیر دینی تألیف یافته است. مهم‌ترین آنها عبارتند از: یادگار زیران، کارنامه اردشیر بابکان، درخت آسوریک، شهرستان‌های ایران، خسرو قبادان و ریدک، افدی‌های سیستان، مادیگان شطرنج و مادیگان هزارادستان. ضمناً دو کتاب منظوم یادگار زیران و درخت آسوریک همان گونه که پیشتر گفته شد، اگرچه به خط پهلوی ساسانی نوشته شده‌اند، اما به زبان پهلوی اشکانی هستند.

به طور کلی، آثار دینی و غیر دینی موجود از زبان فارسی میانه مختصراً به نام «متون پهلوی» خوانده می‌شوند.

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان گفت از زبان فارسی میانه که به آن پهلوی ساسانی نیز گفته‌اند، چهار نوع اثر به چهار الفبای مختلف به جا مانده:



دیگر دورهٔ میانه سهل تر است. مهم‌ترین ویژگی خط مانوی نداشتن هزوارش و نجسبیدن حروف به یکدیگر و دلالت هر نویسه بر یک واج است.

مهم‌ترین آثار مانوی، مکتوباتی است که در ترکستان چین در ناحیهٔ «تورفان» به دست آمده. برخی از این کتاب‌ها به نقاشی‌هایی مزین هستند.

### زبان و خط اوستایی:

زبان اوستایی، زبان یکی از نواحی شرقی ایران بوده است؛ اما به درستی مشخص نیست که این زبان در کدام ناحیه کاربرد داشته. تنها اثری که به این زبان اینک باقی مانده کتاب اوستا است. اوستای امروزی شامل پنج کتاب است به نام‌های: یسنا، ویسپرد، وندیداد، یشته‌ها، خرده اوستا. کتاب پنجم، یعنی خرده اوستا خلاصه‌ای از اوستای دورهٔ ساسانی است که آن را موبدی به نام آذربادمهر، همدورهٔ شاپور اول ساسانی تدوین کرده است.

بخش نخست، یعنی یسنا، در قسمت آغازین دارای هفده سرود است که از نظر ویژگی‌های زبانی قدمت بیشتری دارد. این هفده سرود را با نام گاهان (سرودها)، مجزاً کرده‌اند. این سرودها منظوم و دارای وزنی آهنگین است. از این رو زبان اوستایی را از نظر تاریخی به دو گویش تقسیم می‌کنند: گویش قدیم (گویش گاهانی) و گویش جدید. گویش قدیم زبان اوستایی حدود سه هزار سال قدمت دارد و به اوایل هزارهٔ اول پیش از میلاد، مربوط است. به همین دلیل چنین پنداشته می‌شود که گاهان، سروده‌ها و سخنان خود زرتشت است. به ویژه آنکه در این قسمت از اوستا، در شش مورد، نام زردشت به صیغهٔ اول شخص آمده است (خانلری، ۱۳۶۶/ ص ۱۷۵). بخش دیگر اوستا از سدهٔ ششم پیش از میلاد تا سدهٔ سوم میلادی تألیف شده است (ابولقاسمی، ۱۳۸۱/ ص ۲۴).

بنابر گواهی‌های تاریخی در دوره ساسانی، خطوط متعددی برای مقاصد و نیت مختلف به کار می‌رفت. ابن ندیم، اسامی و نمونه‌هایی از آن خطوط را در کتاب مشهور خود «الفهرست» (در قرن چهارم هجری) نام برده است. او به جای کلمهٔ «خط» از اصطلاح «دبیره» استفاده کرده است و به همین جهت «خط اوستایی» را که برای نگارش متون دینی به کار رفته است، «دین دبیره» می‌خواند (باقری، ۱۳۸۳/ ص ۵۷). خط اوستایی حدود سدهٔ ششم میلادی بر اساس خط آرامی پدید آمد و چهل و هشت حرف داشته که از راست به چپ نوشته می‌شد. الفبای اوستایی از روی الفبای پهلوی کتابی و زبوری ساخته شده است و برای هر یک از آواهای زبان اوستایی، نشانه‌ای خاص دارد. حروف خط اوستایی جدا از هم نوشته می‌شوند و از هیچ طرف به حرف بعدی نمی‌پیوندند. در این خط نه تنها مصوت‌های کوتاه -- نوشته می‌شوند، بلکه مصوت‌های بلند نیز بر حسب آنکه کشیده یا غیرکشیده تلفظ شوند، با حروف مشخص و جداگانه‌ای نوشته می‌شوند. در برخی کتاب‌های تاریخی چنین نقل شده که اسکندر پس از حمله به ایران، اوستا را که بر ده هزار پوست گاو نوشته شده بود، سوزاند و نابود کرد. اگر این روایت را صحیح بدانیم، بی‌گمان خطی که آن اوستای عصر هخامنشی بدان نوشته شده بوده، با خط اوستایی دورهٔ ساسانی تفاوت بسیار داشته است.

### زند اوستا

زبان اوستایی، زبانی کهن و باستانی بود و برای عامهٔ مردم قابل درک و فهم نبود. لذا در دورهٔ ساسانی آنچه از اوستا مدون شده بود به زبان فارسی میانه ترجمه و به خط پهلوی نوشته شد. علاوه بر ترجمه، توضیح و تفسیرهایی نیز بر این متون افزوده گشت. ترجمه و تفسیر اوستا به زبان فارسی میانه و خط پهلوی «زند اوستا» خوانده می‌شود.



## پازند:

همان گونه که پیشتر گفته شد، متون زردشتی که به خط پهلوی نوشته می‌شد دارای هژوارش بود و کلماتی را در این متون به زبان آرامی می‌نوشتند و به زبان ایرانی می‌خواندند. همین امر موجب بروز دشواری‌هایی در قرائت متون دینی و به ویژه متون زند اوستا (ترجمه و تفسیر این کتاب دینی) می‌گردید. به همین دلیل، روحانیون زردشتی تصمیم گرفتند که متون پهلوی را به خط اوستایی بنویسند و به این نوع نوشته‌ها که به زبان فارسی میانه (پهلوی) هستند، اما به خط اوستایی نوشته شده‌اند، اصطلاحاً «پازند» گفته می‌شود. در پازند هژوارش وجود ندارد و خواندن آن ساده‌تر است، چون پازندنویسی مشکل خواندن خط پهلوی را برطرف می‌کرد، بعدها برای نگارش دیگر متون فارسی میانه به کار رفت. امروزه آثار قابل توجهی از زبان فارسی میانه به صورت پازند وجود دارد.

## زند و پازند:

بخش اعظم متون مذهبی فارسی میانه عبارت است از ترجمه‌ها و تفسیرهای اوستا به زبان پهلوی و به خطوط پهلوی و اوستایی که در مجموع، اصطلاحاً به آنها «زند و پازند» گفته می‌شود (باقری، ۱۳۸۳/ص ۱۰۱).  
به غیر از ترجمه اوستا، متون مذهبی دیگری نیز به زبان پهلوی موجود است. مهم‌ترین آنها عبارتند از: «دینکرد» (کتاب تکالیف و اعمال دینی)، «بندھشن» (به معنی اساس خلقت)، «ارداویراف نامه»، «روایات پهلوی»، «شایست و نشایست»، «گزیده‌های زادسپرم»، «مینوی خرد»، «گزارش گمان شکن»، «شکند گمانیک و یچار»، «جاماسب نامه»، «پند نامه زردشت»، «ماه فروردین روز خرداد»، «گجستک ابالیس»، «نامه‌های منوچهر»، «یوشت فریان» و «دائستان دینیک».

## بررسی مضمونی اوستا و ویژگی‌های ادبی آن:

کلمه اوستا در فارسی جدید از واژه اَپَستاکِ فارسی میانه گرفته شده که به معنی پایه و اساس است (سوکولوف، ۱۳۷۰/ص دوازده مقدمه). همان گونه که پیشتر نیز بیان شد اوستای امروزی به پنج بخش تقسیم می‌شود:

- ۱- یسنا: از ریشه Yaz به معنی ستودن، و ستایش. این واژه بعدها در زبان فارسی دری به «جشن» تبدیل شده است. یسنا دارای هفتاد و دو فصل است که به هر فصل، «هات» گفته می‌شود. گاهان یا سروده‌های زردشت هفده هات از هفتاد و دو هات یسنا است.
- ۲- ویسپرد: از دو واژه «ویسپ» به معنی همه و «رَد» به معنی مولا ترکیب شده است و ویسپرد دارای بیست و چهار «کرده» (بخش) است و همراه با یسناها، به ویژه در مراسم دینی نوروژ و جشن‌های فصلی خوانده می‌شد (تفضلی، ۱۳۷۷/ص ۴۲).
- ۳- وندیداد: واژه اصلی آن، «ویدیداد» به معنی قانون (داد) ضدّ (وی) دیو است. وندیداد دارای بیست و دو فرگرد (فصل) است. این بخش از اوستا، قوانین دین زردشتی را در بر دارد.
- ۴- یشت‌ها: این بخش از اوستا نیز از بیست و یک یشت تشکیل شده است. هر یک از یشت‌ها درباره کسی است که یشت‌ها درباره او سروده شده است. از جمله یشت‌ها می‌توان از هرمزد یشت، مهر یشت، آبان یشت و زامیاد یشت نام برد. آبان یشت یکی از متون مهم کهن درباره ستایش فرشته آب‌ها است:

آبان یشت، یشت پنجم از یشت‌هاست. این یشت با داشتن ۱۳۳ بند، پس از فروردین یشت و مهر یشت، از بلندترین یشت‌هاست. آبان یشت نامی است که در فارسی میانه به این یشت داده شده است. این یشت در ستایش آردوی سورا آناهیتا- که فرشته موکل بر آب است- سروده شده است. آردوی به معنی رطوبت و نمناکی و باروری، سورا به معنی توانا و آناهیتا به معنی پاکیزه است. آردوی سورا آناهیتا، ایزدی از ایزدان ایرانیان زردشتی بوده است. مادها و پارس‌ها ستاره زهره را با نام آناهیتا می‌پرستیدند. پس از رواج دین زردشتی در میان پارسیان و مادها هر دو ایزد یکی به شمار می‌آمدند.

اردشیر دوم، در دوره شاهنشاهی هخامنشی (سلطنت ۴۰۴-۳۵۹ ق.م.) دستور داد پیکره‌های آردوی سورا آناهیتا را در معابد بابل و شوش و همدان نصب کنند. همچنین روش ستایش او را به ایرانیان فارس و بلخیان و دمشقیان و ساردیان آموخت.

در دوره اشکانیان و ساسانیان به اردوی سورا آناهیتا توجه می‌شده است. ساسان - جد ساسانیان - متصدی امور آتشکده اردوی سورا آناهیتا در استخر بوده است. در نقش رستم، نقش اردوی سورا آناهیتا، که حلقه سلطنتی (فره ایزدی) را به نرسی ساسانی (سلطنت ۲۹۰-۳۰۳ م.) می‌دهد، آمده است. در تاق بستان نقش اردوی سورا آناهیتا در کنار اهورامزدا، که حلقه سلطنتی (فره ایزدی) را به خسرو پرویز (سلطنت ۵۹۲-۶۲۸ م.) می‌دهد آمده است. در کنگاور، ویرانه‌های آتشکده اردوی سورا آناهیتا به جای مانده است.

در زبان و ادبیات فارسی ناهید نام ستاره‌ای است که در عربی به آن زهره می‌گویند. این ستاره - که در ادبیات فارسی موکل بر موسیقی است - در بندهش، از آفریده‌های اهریمن به شمار آمده است. (باقری، ۱۳۸۳/ص ۱۴)

۵- خرده اوستا: یا اوستای کوچک، مجموعه‌ای است از دعا‌های کوتاه، خاص مردم زردشتی که آن‌ها را در موقعیت‌های خاص می‌خواندند. خرده اوستا، خلاصه‌ای است از اوستای دوره ساسانی و تدوین آن را به آذرباد مَهْرَسَپَنَدان، موبد موبدان زمان شاپور دوم ساسانی نسبت داده‌اند.

### فارسی دری:

در سال ۶۴۲ میلادی یا ۲۱ هجری قمری، پرچم پادشاهی ساسانی در برابر سپاهیان اسلام به زمین افتاد و عرب‌های مسلمان بر سرزمین ایران چیره شدند. در این هنگام، بی‌گمان زبان ایرانیان تحول یافته بود و به زبان فارسی دری تبدیل شده بود. کلمه «دری» به معنی «درباری» و منسوب به «در» (دربار، درگاه) است.

زبان فارسی دری که اینک به آن، زبان فارسی نو (و به اختصار، فقط فارسی) می‌گویند، دنباله فارسی میانه زردشتی است. در قرون اولیه هجری، زبان‌های دیگری مانند سغدی، خوارزمی و بلخی نیز در ایران رواج داشته، اما از زمان یعقوب لیث صفاری (سال ۲۵۴ هجری)، فارسی دری جانشین زبان‌های دیگر شد و به زبان رسمی ایرانیان مسلمان شده، بدل گردید (ابولقاسمی، ۱۳۸۱/ص ۱۰۸). تا اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، اثر قابل توجهی به زبان فارسی جدید در زمینه علمی یا ادبی نوشته نشد (باقری، ۱۳۸۳/ص ۱۱۲). این دوره را دوره «سکوت» می‌نامند و مهم‌ترین عامل موثر در فقدان متون علمی و ادبی را می‌توان فقدان «خط» دانست. چرا که خط و زبان پهلوی، اندک اندک رو به افول نهاد و از این گذشته، خط و زبان عربی در سرتاسر ایران رسمیت یافت و این وضعیت تا عهد سامانیان ادامه داشت. در عهد سامانیان، زبان فارسی دری، زبان رسمی دولت سامانی شد و همین امر سبب شد که سخن و ادب پارسی، به شکل مکتوب در آید و زبان فارسی در خراسان بزرگ ماوراءالنهر (فرا رود) و آسیای میانه انتشار یابد و زمینه برای پیدایی شعرای بزرگ خراسان فراهم آید.

زبان فارسی دری طی تاریخ بیش از هزار ساله خود، از نظر قواعد دستوری تغییری نکرده است اما از لحاظ واژگان، در مراحل مختلف تاریخ، تغییراتی را به خود پذیرفته است. از یک سو، واژه‌ها و ترکیب‌های جدیدی ساخته شده و از سوی دیگر تعداد بی‌شماری واژه‌های عربی، مغولی، ترکی و اروپایی وارد زبان فارسی شده است.

### خط فارسی:

الفبایی که امروز برای نوشتن زبان فارسی به کار می‌رود، خود از عربی اقتباس شده است و چهار حرف گ، چ، پ، ژ که در زبان فارسی موجود است و در زبان عربی وجود ندارد، در خط فارسی، دارای نویسه شده‌اند. عرب‌ها مانند بیشتر اقوام کهن، آثار ادبی خود را اغلب به صورت سینه به سینه نقل می‌کردند و هر شاعری برای این منظور، گروهی از مریدان برگزیده خود را تربیت می‌کرد. با ظهور اسلام، آیات قرآن که از سوی خداوند یکتا بر حضرت محمد (ص) نازل شده بود، باید با حرمتی خاص توسط پیروان پیغمبر نوشته می‌شد تا از گزند تغییر و تحریف، در امان بماند. بدین ترتیب در میان اعراب، نوعی دگرگونی بینشی پدید آمد و خط در زندگی آنان، اهمیت ویژه‌ای یافت؛ زیرا کلام خدا باید به دقت و با احترام ثبت می‌شد. از این رو، شیوه‌های مختلف خوشنویسی و آرایش صفحات متون دینی نیز رواج یافت. (آلبرتین گاور، ۱۳۶۷/ص ۱۲۲). خط عربی از ۲۹ نویسه تشکیل می‌شود. در اوایل دوره اسلامی، دو شیوه نوشتاری متمایز از هم وجود داشت. یکی واضح و زاویه‌دار که به خط کوفی مشهور شد و منشأ آن خط سریانی بود. دیگری گرد و شکسته که پدر خط عربی نوین محسوب می‌شود و به خط نسخ معروف است، که منشأ آن خط نبطی است. (صفوی، ۱۳۶۷/ص ۱۲۲). ایرانیان با الهام از خط نسخ، نوعی خط نسخ ایرانی پدید





آوردند. "محمد بن علی فارسی"، معروف به "ابن مقله شیرازی"، خطوط شش گانه "محقق"، "ریحان"، "نسخ"، "ثلث"، "رقاع" و "توقیع" را به قاعده درآورد و از آن پس، خط نسخ، بیشتر در کتابت و خط ثلث بیشتر در کتیبه نویسی رایج شد. از عهد تیموریان و به همت "میر علی تبریزی"، "خط نستعلیق" از ترکیب دو خط نسخ و تعلیق پدید آمد و در حال حاضر، برای متون چاپی، خط نسخ و برای متون دستنویس، خط نستعلیق کاربرد دارد.

### نخستین شاعران پارسی گو:

اولین نمونه‌های شعر فارسی به زبان دری به اوایل قرن سوم هجری بازمی‌گردد. محمدبن وصیف سیستانی از کهن‌ترین نام‌هایی است که در این عرصه مطرح شده است. او در رکاب یعقوب لیث صفاری بوده و گویا از آنجایی که یعقوب لیث شعر عربی را نمی‌پسندیده است او به فارسی شعر سروده و هم از او نقل است:

ای امیری که ایران جهان، خاصه و عام  
بنده و چاکر و مولای و سگ‌بند و غلام  
از شاعر دیگری به نام خنظله بادغیسی (وفات ۲۲۰ هجری) نیز یاد شده و نظامی عروضی سمرقندی در قرن ششم هجری قمری در کتاب مجمع‌التوادر که به نام چهار مقاله مشهور است، از او یاد کرده و دو بیت شعر از وی نقل کرده است:

مهوری گر به کام شیر در است  
یا بزرگی و عز و نعمت و جاه  
یا چو مردانت، مرگ رویاروی  
شو خطر کن ز کام شیر بجوی  
نام شاعران دیگری همچون فیروز مشرقی، بوسلئیک گرگانی، محمود وراق، بستم کرد خارجی، محمدبن خلد سگزی و مسعود مروزی نیز در میان شعرای عهد طاهری و صفاری، جزو نخستین گوینگان پارسی مطرح است. این دوبیت از بوسلئیک نقل است:

خون خود را گر بریزی بر زمین  
بت پرستیدن به از مردم‌پرست  
به که آب روی ریزی در کنار  
پند گیر و کار بند و گوش دار  
شعر دوره طاهری و صفاری غالباً تعلیمی با لحن حماسی است. اشعار این دوره بیشتر قطعه هستند در دوبیتی‌ها، بیت اول مصرع نیست. صنایع ادبی ندارند و ویژگی تصویرگری در آنها دیده نمی‌شود. بیشتر منطبق بر منطق نثر هستند. اشعار نخستین فارسی به لحاظ عروضی، اشکالاتی دارند که شاید سرچشمه چنین اشکالی، تحول تدریجی شعر غیر عروضی به شعر عروضی در زبان فارسی باشد. زبان شعر این دوره، لغات عربی کمی دارد و شیوه سخن کهن پارسی و استفاده از فعل‌ها و ترکیب‌های کهن در آن رایج است.

شعر دوره سامانی، شعری شاد و به دور از یأس و بدبینی است. تشبیهات اصیل این دوره حاصل نگاه و تعمق شاعر به طبیعت است. تشبیه تفصیلی در این دوره بسیار قوی است. تشبیهات غالباً محسوس به محسوسند، هم به صورت مفرد و هم مرکب. (انواع تشبیه، در همین کتاب در بخش آرایه‌های ادبی توضیح داده شده). گاهی تشبیه محسوس به معقول نیز دیده می‌شود که نوآورانه است. همچنین، تشبیهات گاهی از ادبیات عرب اخذ شده‌اند. در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم استعاره زیاد به کار می‌رود. صنایع بدیعی در حد اعتدال است و بیشتر از صنایع بدیع لفظی استفاده می‌شود تا بدیع معنوی. مثلاً انواع ایهام یا حسن تعلیل یا اغراق را به کار نمی‌برند. البته باید اشاره شود که اغراق در شاهنامه فراوان است زیرا اغراق لازمه حماسه است. شعر عهد سامانی واقع‌گرا است شاعران آن با معارف پیش از اسلام آشنا هستند و تلمیح به اسم پهلوانان و شاهان نامی در آثار آنان به چشم می‌خورد. در این اشعار، معشوق مقام والایی ندارد و همیشه صحبت از وصال است نه فراق. (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۳ و ۳۹). قالب شعری مسلط، قصیده است. اگر چه منوچهری دامغانی در مسمط و فرخی سیستانی در ترجیع‌بند کوشیده‌اند. در اشعار این دوره، موازنه مرسوم است. از قالب‌های قدیم در این دوره «تمام مطلع» دیده می‌شود. تمام مطلع شعری ست که جمیع مصاریع آن، چه زوج چه فرد، با هم قافیه داشته باشند. به عبارتی دیگر همه ابیات آن مصرع باشند از شاعران شناخته شده دوره سامانی شهید بلخی (متوفی به سال ۴۲۵ هجری قمری) است. رودکی در مرگ شهید بلخی مرثیه سروده است. ابوشکور بلخی نیز در سده چهارم هجری می‌زیست. او میان سال‌های ۳۳۳ تا ۳۳۶ ه. ق مثنوی سرشار از اندرز و حکمت آفرین‌نامه را به نظم درآورد. اما از این مثنوی جز ابیاتی پراکنده، چیزی به دست ما نرسیده است.

### شاعران برجسته سبک خراسانی

امیران سامانی اگرچه اهل ذوق و ادب‌پرور بودند، اما در عین حال، حمایت از آنها از ادب و سخن پارسی، دارای غرض‌های سیاسی نیز بود. این حرکت آنان را می‌توان گامی در راستای تحکیم قدرت فرمانروایی خود بر شالوده‌های فرهنگ ایرانی به شمار آورد. در این دوره، شاعران بی‌شماری سر برآوردند که اغلب مورد حمایت امرای سامانی قرار گرفتند و از میان آنان، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شاعر، ابو عبدالله، جعفر بن محمد، مشهور به رودکی است. او را پدر شعر فارسی نامیده‌اند و مقام او را در پایه‌گذاری شعر فارسی با هومر، شاعر نابینای یونانی در ادبیات اروپا مقایسه می‌کنند.

#### \* رودکی:

ابو عبدالله جعفر رودکی در سال‌های میانی سده سوم (ه ق) متولد شد و در سال ۳۲۹ (ه ق) در سن بیش از ۸۰ سالگی درگذشت (سال وفات او مصادف است با ولادت فردوسی و آغاز غیبت کبری). آثار رودکی: به روایتی نزدیک به یک میلیون و سیصد هزار بیت شعر سروده که البته چیزی در حدود ۵۵۰ تا ۹۰۰ بیت به دست ما رسیده است. کلیله و دمنه را نیز به نظم در آورده که جز چند بیت پراکنده از آن دیده نشده است. شعر رودکی کلیه شاخصه‌های سبک خراسانی را به طور کامل در خود دارد. لحن حماسی در تمام اشعار وی به چشم می‌خورد. قالب اصلی شعر وی قصیده است با مضمون مدح. مجموع دیوان او بالغ بر صد دفتر می‌شده است و درباره عظمت کار او گفته‌اند که علاوه بر کلیله و دمنه، سندباد نامه را نیز به نظم در آورده بود. ولی از آن آثار، تنها ابیات پراکنده‌ای در دست است. نمونه‌ای ماندگار از اشعار او عبارت است از قصیده بوی جوی مولیان:

یاد یار مهربان آید همی

زیر پایم پرنیان آید همی

خنگ ما را تا میان آید همی

میر زی تو شادمان آید همی

سرو سوی بوستان آید همی

ماه سوی آسمان آید همی

بوی جوی مولیان آید همی

ریگ آموی و درشتی‌های او

آب جیحون از نشاط روی دوست

ای بخارا شاد باش و دیر زی

میر سرو است و بخارا بوستان

میر ماه است و بخارا آسمان

قصیده‌های رودکی در نهایت لطف و استحکام و مثنوی‌هایش سنجیده و رقت‌انگیز بود. عنصری بر او رشک می‌برد.

غزل را «رودکی‌وار» نیکو می‌دانست.

غزل‌های من رودکی‌وار نیست

غزل رودکی‌وار نیکو بود

(عنصری)

- رودکی در سرودن قصیده‌های مدحی و وصفی استاد بود.

از شاعران هم عصر رودکی می‌توان از شهید بلخی، ابو شکور بلخی و کسایی مروزی نام برد. پس از رودکی، برجسته‌ترین شاعر ایرانی در قرن چهارم هجری، حکیم ابوالقاسم فردوسی است. او در سال ۳۲۹ هجری در روستای پاژ، در منطقه توس به دنیا آمد. او از دهقانان و نجیب‌زادگان توس بود و با آب و زمینی که داشت می‌توانست زندگی بی‌دغدغه و مرفه‌ای داشته باشد اما طی بیش از سی سال، عمر و دارایی خود را برای سرودن شاهکار بزرگ خود، شاهنامه، صرف کرد و بی‌گمان ارزنده‌ترین و چشمگیرترین اثر ادبی ایران را با تلاش چشمگیر خود پدید آورد. عصری که فردوسی در آن می‌زیست، عصر احیای افسانه‌ها و روایت‌های ادبی باستانی بود. از روی ترجمه‌های خدای‌نامه، «سیر الملوک»ها و «شاهنامه»های متعددی پرداخته شد که یکی از آنها **شاهنامه منشور ابومنصور عبدالرزاق توسی** است.

در سال ۳۴۶ هجری قمری به فرمان ابومنصور محمد بن عبدالرزاق، حاکم توس، مجموعه‌ای به نام شاهنامه ابومنصوری تألیف شد، که نخستین کتاب نثر فارسی به شمار می‌آید. در این کتاب، داستان‌های حماسی عهد باستان که در مجموعه خوتای نامگ در دوره ساسانی گردآمده بود، ترجمه و تدوین شد. متأسفانه اصل کتاب هرگز به دست نیامده و فقط



مقدمه آن اینک در دست است. شاهنامه منثور دیگری به نام **شاهنامه ابوالمؤید بلخی** وجود داشته که گویا قبل از شاهنامه ابومنصوری تألیف یافته است، اما به کلی از میان رفته است.

پیش از فردوسی، دقیقی توسی، به فرمان منصورین نوح سامانی، مسئولیت به نظم در آوردن این کتاب را بر عهده گرفت. اما او هنوز در آغاز این راه بود که کشته شد و کارش ناتمام ماند. در این عهد، فردوسی نیز همچون دیگر شاعران و فرهنگ دوستان هم‌عصر خود و همچون دیگر ایرانیان اصیل و آزاده، به داستان‌های باستانی ایران توجه ویژه‌ای یافته بود.

### \* ابوالقاسم فردوسی:

در سال ۳۲۹ (ق.ه) متولد شد و در سال ۴۱۱ (ق.ه) بدرود حیات گفت.

شاهنامه، در حدود شصت هزار بیت است و در بحر متقارب (طی بیش از سی سال) سروده شده است. مهم‌ترین شاخصه ادبی شاهنامه، خودداری از به کار بردن لغات عربی است. به گفته خود شاعر تعداد این لغات کمتر از ۵۰۰ است. این کتاب در سه بخش ۱- اساطیری ۲- پهلوانی ۳- تاریخی، تدوین شده است. بخش اول از پادشاهی کیومرث است تا پادشاهی منوچهر. بخش دوم با داستان‌های پهلوانی گرشاسب آغاز می‌شود و تا پادشاهی بهمن پسر اسفندیار ادامه می‌یابد. بخش سوم که بخش تاریخی است با بهمن آغاز می‌شود و تا آخر سلسله ساسانیان را در برمی‌گیرد.

پس از مرگ دقیقی در سال ۳۶۵ هجری قمری، فردوسی در پی آن شد که کار او را دنبال کند. او با دشواری‌های فراوان، یک نسخه از کتاب منثور شاهنامه ابو منصور را به دست آورد. اولین داستانی که فردوسی به سرودن آن همت گماشت، داستان بیژن و منیژه بوده است (اگرچه خود این داستان، در بخش آغازین شاهنامه قرار ندارد). در مقدمه این داستان، فردوسی از همسر دانا و با فرهنگ خود یاد کرده است که گویا زبان پهلوی می‌دانسته و برخی حکایت‌های کهن را برای او می‌خوانده و ترجمه می‌کرده است (جعفر شعار، حسن انوری، ۱۳۷۵/ ص ۱۴). علاوه بر این فردوسی برای یافتن روایت‌های باستانی، به سراغ افراد سالخورده و دهقانان اصیل ایرانی می‌رفته و از آنها، حکایت‌های دیرین را می‌شنیده و امانت‌دارانه آنها را به نظم در می‌آورده است. فردوسی به رسم امانت‌داری و گویا به علت خوابی که دیده بود، اشعار دقیقی را که مربوط به دوره پادشاهی گشتاسب می‌شود، در همان بخش شاهنامه درج کرده است. اما البته کاملاً آشکار است که شعر فردوسی در مقایسه با شعر دقیقی بسیار استوارتر و زیباتر سروده شده است. اگر سال ۳۶۵ هجری قمری را زمان آغاز سرودن شاهنامه بدانیم، بی‌گمان او بیش از سی سال از عمر خود را صرف سرودن این اثر سترگ کرده است. سال پایان یافتن شاهنامه را حدود ۴۰۰ هجری قمری می‌دانند و فردوسی با سرودن این کتاب از یک سو اساطیر و داستان‌های کهن ایرانی را از فنا شدن نجات داد و از سوی دیگر با تعهد خاصی که به پارسی‌گویی داشت، زبان فارسی را احیا کرد و بسیاری از واژگان و ترکیبات فارسی را که رو به خاموشی و فراموشی نهاده بود زنده ساخت.

فردوسی به گواهی نظامی عروضی، در کتاب چهار مقاله و به استناد سروده‌های خودش که در جای‌جای شاهنامه خود را شیعه خوانده است، ارادت بی‌پروایی به خاندان پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) داشته و بارها به این امر در شاهنامه اذعان کرده است. او از این حیث یکی از مدافعان جدی و شجاع تشیع در زمانه‌ای بوده که پادشاهانش به شیعه کشی افتخار می‌کرده‌اند.

دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی  
تو گویی دو گوشم بر آواز اوست  
درست این سخن، گفت پیغمبر است  
ستاینده خاک پای وصی

به گفتار پیغمبرت راه جوی  
گواهی دهم کاین سخن‌ها ازوست  
که من «شهر علمم، علی‌م دراست»  
منم بنده اهل بیت نبی

بیش از بیست سال از آغاز سرودن شاهنامه گذشته بود که سلطان محمود غزنوی در سال ۳۸۷ هجری قمری به فرمانروایی رسید و قلمرو صفاریان و سامانیان را نیز به تصرف درآورد و قلمرو وسیعی را در شرق ایران به زیر پرچم خود کشید. فردوسی در اواخر عمر، به دلیل از دست دادن املاک و بضاعت خود، به این فکر افتاد که شاهنامه را به نام محمود غزنوی کند، تا از درماندگی و فقر نجات یابد و مهم‌تر اینکه کتابش در دیوان ادب در دولت محمود غزنوی در نسخه‌های متعدد، کتابت شود

و از گزند حوادث محفوظ بماند. اما شاهکار فردوسی مورد پسند محمود و درباریانش قرار نگرفت چرا که اولاً فردوسی شیعه مذهب بود و سلطان محمود، همسو با خلفای عباسی بغداد از دشمنان قسم‌خورده تشیع به شمار می‌رفت. ثانیاً شاهنامه در نبرد میان ایرانیان و ترکان تورانی، همواره به ستایش ایرانیان پرداخته است و این مورد پسند محمود غزنوی که خود از طایفه ترکان بود، واقع نشد. فردوسی پاداشی درخور از محمود نستاند و ناکام و دل‌شکسته به توس بازگشت و در سال ۴۱۱ هجری قمری در گذشت و در باغ خانه‌اش به خاک سپرده شد.

### دیگر شاعران سبک خراسانی

طی سده‌های سوم تا نیمه ششم هجری، سرزمین خراسان شاعران بزرگی را در مهد خود پرورش داد. برخی از این شاعران، خود زاده خراسان بودند، برخی در خراسان اقامت گزیدند و برخی اگرچه از خراسان دورتر بودند، اما سبک شاعران خطه خراسان را پی گرفتند و نام خود را بر سر لوحه تاریخ ادب پارسی، جاودان ساختند. در زمره شاعران بزرگ این عهد، می‌توان از این سخن‌سرایان نام برد:

ناصر خسرو قبادیانی، فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، عنصری بلخی، اسدی توسی و فخرالدین اسعد گرگانی. از میان این شش تن، اسدی و فخرالدین اسعد، منظومه‌های داستانی سروده‌اند که خوشبختانه به جامانده است. عنصری نیز منظومه‌هایی داستانی به نام‌های وامق و عذرا، شادبهر و عین‌الحیات و سُرخ‌بت و خَنگ‌بت سروده بود که متأسفانه در دست نیست و فقط از وامق و عذرا حدود پانصد بیت از لابه‌لای کتاب‌های دیگر یافت شده است.



### \*رابعه بنت کعب قزدارى (بلخى):\*

سال ولادت و مرگ او مشخص نیست. وی معاصر رودکی بوده و از نخستین شاعران زن ایرانی به شمار می‌رود. از وی به صورت پراکنده ابیاتی باقی مانده است. عطار نیشابوری داستان زندگی رابعه را در الهی نامه خویش در چهارصد و اندی بیت به نظم آورده

### \*کسایى مروزی:\*

در سال ۳۴۱ متولد شد و در سال ۳۹۴ به دلیل اعتقادات شیعی که داشت به قتل رسید. کسایى، پرچمدار ادبیات شیعه و مذهب او شیعه دوازده امامی بود. نخستین قصیده‌های منقبت و مرثیه را باید در دیوان کسایى جست و جو کرد. کسایى را «نقاش چیره‌دست طبیعت» هم گفته‌اند. آثار کسایى: دیوان اشعار وی تا قرن ششم به طور کامل موجود بود؛ اما بعدها از میان رفت. ویژگی مهم شعر کسایى، استفاده از شعر برای ترویج اعتقادات مذهبی است.

### \* محمد بن احمد دقیقى طوسى

در حدود سال ۳۳۰ (ق.ه) متولد شد و در سال ۳۶۷ (ق.ه) به دست غلام خود به قتل رسید. آثار دقیقى: دیوان قصاید و همچنین هزار بیت از «گشتاسب نامه» که به دست فردوسی به پایان رسید. (قرار بود شاهنامه‌ای به دست دقیقى به نظم درآید که اجل امانش نداد). از ویژگی‌های شعر دقیقى: استعمال لغات و عبارات زرتشتی و همچنین اظهار علاقه وی به این دین که در آثارش کاملاً مشهود است.

### \* احمد بن قوص منوچهرى دامغانى:

سال تولد نامعلوم است. وی در سال ۴۳۲ (ق.ه) بدود حیات گفت. آثار منوچهرى: دیوان اشعار وی که شامل قصاید او است. از ویژگی شعر او این است که علاوه بر مدح گویی به وصف طبیعت نیز می‌پردازد. وی را شاعر طبیعت نام داده‌اند. وی مبدع قالب مسمط است. آشنایی وی با زبان و ادبیات عرب در آثار وی کاملاً مشهود است. منوچهری قالب مسمط را برای اولین بار در شعر فارسی پدید آورد. قالب مسمط عبارت است از چندین بند و هر بند مرکب از چهار تا هشت مصراع هم‌وزن و مقفا که آخرین مصراع در هر بند با مصرع‌های آخر بندهای دیگر قافیه‌ای یکسان دارد. موضوع مسمط‌های منوچهری، عموماً وصف و خمربیه و ستایش است.

### \* فخرالدین اسعد گرگانى:

تولد و مرگ وی در قرن پنجم اتفاق افتاده اما زمان دقیق آن مشخص نیست. آثار گرگانى: منظومه «ویس و رامین» که یکی از داستان‌های کهن فارسی است. در شعر او واژه‌های اصیل فارسی بسیار به کار برده شده است.

او از داستان سرایان بزرگ ایران است. منظومه بلند ویس و رامین که از وی باقی مانده است، فقط بخشی از منظومه اصلی است و قسمت‌هایی از آن مفقود شده است. فخرالدین اسعد گرگانى در اوایل قرن پنجم هجری قمری ولادت یافته است و در حدود سال ۴۵۵ هجری قمری، نظم داستان ویس و رامین را به پایان برده است. داستان ویس و رامین از داستان‌های کهن ایرانی است و ریشه در اواخر عهد اشکانی دارد. پیش از آنکه فخرالدین اسعد آن را به نظم در آورد، این داستان در میان مردم شناخته شده بود و در برخی کتب دیگر از وجود نسخه پهلوی آن یاد کرده‌اند. اما متأسفانه این داستان در اوایل دوره اسلامی به عربی ترجمه نشد. فخرالدین اسعد در مذاکراتی که با ابوالفتح مظفر نیشابوری حاکم اصفهان داشته، چنین نقل کرده که

حاکم اصفهان از او خواسته این کتاب را که نسخه‌های متعددی از آن به زبان پهلوی در اصفهان موجود بوده، به نظم در آورد. فخرالدین نیز این کتاب را از زبان پهلوی به فارسی برگردانده و به نظم آن همت گماشته است. این منظومه ۹۰۰۰ بیت دارد.

#### \* ابونصر علی بن احمد طوسی (اسدی طوسی):

سال تولد وی معلوم نیست. وی در سال ۴۶۵ وفات یافت.

آثار وی: - آثار منظوم اسدی به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱- مناظرات او که مشتمل است بر چهار یا پنج قصیده؛ ۲- اثر منظوم و مشهورتر از مناظرات او، کتاب گرشاسپ‌نامه است.

- موضوع گرشاسپ‌نامه، سرگذشت گرشاسپ، پهلوان سیستانی و نیای بزرگ رستم، جهان پهلوان شاهنامه است.

او مثنوی حماسی "گرشاسپ نامه" را به سبک شاهنامه فردوسی سرود. و در نشر، "لغت فرس" را تألیف کرد.

مناظرات چهار گانه وی نیز قابل توجه است (قدیمی ترین نمونه‌های مناظره در ادب دری است).

قدیم‌ترین کتابی که به خط فارسی امروز در دست است و در تاریخ کتابت آن شکی نیست، کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» است که در سال ۴۴۷ ه.ق توسط اسدی طوسی و در زمینه پزشکی تحریر شده است. نثر علمی فارسی تقریباً با کتاب الابنیه آغاز می‌شود. این کتاب را ابومنصور موفق هروی در خواص گیاهان و داروها (در واقع، درباره علم داروشناسی) در عهد منصور بن نوح سامانی (۳۶۶-۳۵۰ ه.ق) تألیف کرد. در دیباچه این کتاب، نمونه‌های اندک و ساده‌ای از سجع نویسی، نزدیک به یک قرن قبل از خواجه عبدالله انصاری مشاهده می‌شود.

#### \* حکیم ابومعین ناصر خسرو بن حارث قبادیانی:

حکیم در سال ۳۹۴ (ه.ق) ولادت یافت و در سال ۴۸۱ درگذشت. پس از دریافت عنوان «حجت» که از مراتب عالی

مذهب اسماعیلی بود، به فرمان خلیفه فاطمی با لقب «حجت خراسان» مأمور تبلیغ این آیین در سرزمین خراسان شد.

- وی گذشته از دیوان و سفرنامه، به تألیف آثاری مانند **خوان اخوان**، **زادالمسافرین** و **جامع‌الحکمتین** دست زد که هر سه در زمره آثار کلامی زبان فارسی قرار دارند.

- نخستین گوینده‌ای که شعر را به طور کلی در خدمت فکر اخلاقی و اجتماعی و در مسیر اندیشه مکتبی قرار داده، ناصر خسرو قبادیانی است.

آثار منظوم: دیوان او که شامل قصاید و قطعات می‌شود و منظومه‌های روشنایی نامه و سعادت نامه.

آثار منثور: سفرنامه، جامع‌الحکمتین، وجه دین، خوان اخوان، گشایش و رهایش و دلیل‌المتحیرین. سفرنامه ناصر خسرو، شرح سفرهای وی برای آموزش دادن و ترویج اصول و عقاید شیعیان اسماعیلی بوده است. «زاد‌المسافرین» نیز مجموعه مقالات تحقیقی و فلسفی او به زبان فارسی است.

ویژگی آثار: ناصر خسرو در قصیده استاد است و با شادی، عشق و غزل مخالف است. استفاده از قوافی مشکل، اصطلاحات کهن و مضامین مذهبی و فلسفی از دیگر ویژگی شعر اوست. شعر ناصر هم مانند کسانی در خدمت ترویج مرام دینی اوست. ناصر، حجت اسماعیلیان در ایران بود.

#### \* ابوالقاسم، حسن بن احمد عنصری:

بخش مهم اشعار بازمانده از او که به حدود دو هزار بیت می‌رسد، قصاید وی است که اغلب آنها در ستایش سلطان

محمود و مسعود و دیگر شاهزادگان غزنوی و ذکر اوصاف و اعمال و پیروزی‌های آنهاست.

عنصری، غیر از قصیده و غزل و رباعی، در مثنوی‌گویی نیز دستی تمام داشته و قصه **وامق و عذرا** را که داستانی یونانی است، به نظم درآورده است. اصل کتاب در دست نیست اما حدود پانصد بیت از آن را از لابه‌لای کتاب‌ها یافته‌اند. دیگر مثنوی‌های منسوب به عنصری: **شادبهر**، **عین‌الحیات**، **سرخ بت** و **خنگ‌بت**.



## \* فرخی سیستانی:

اگر به ناصر خسرو مه‌ری بورزیم و شعرهایش و زندگی بی‌تکلف و پر از استغنا و او را بستاییم، بی تردید، فرخی سیستانی از حیث مسلک و مرام، در نقطه‌ی مقابل او قرار دارد؛ چرا که او عمر خود را به خدمت در دربار و ستایش اُمر و سلاطین گذراند و از یک روستایی ژولیده‌ی سیستانی که با دست خالی به قصد کسب مال و شهرت به خراسان سفر کرد، به شاعری ثروتمند و خوش‌گذران بدل شد که کاری جز ستایشگری و خوش‌آمدگویی به بزرگان نداشته است. اما آنچه او را در صحیفه‌ی ادبیات کهن ایران نام‌آور می‌کند، خوی تملق و چاکرمنشی او نبوده است. فرخی در سرودن مدح، سخن پارسی را اعتلا بخشیده و از طرف دیگر، شعر او همچون سند تاریخی درباره‌ی رخدادهای عصر اوست. او جنگ‌هایی را که خود ناظر آن بوده است بسیار زنده و حقیقی وصف می‌کند (خانلری، زهرا، ۱۳۴۸/ص ۳۷).

از جمله در قصیده‌ی فتح سومنات، درباره‌ی لشکرکشی سلطان محمود به هند، اگرچه با اغراق فراوان سخن گفته ولی دشواری‌های این لشکرکشی را با زبانی ادیبانه توصیف کرده است.

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر  
سخن نو آر که نو را حلاوتی‌ست دگر

یا تصویری که او از مرگ سلطان محمود در شهر غزنین ارائه می‌کند، تصویری زنده از سیمای شهری پس از درگذشت پادشاه است.

شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار  
چه فتاده‌ست که امسال دگرگون شده کار  
خانه‌ها بینم پر نوحه و پر بانگ و خروش  
نوحه و بانگ و خروشی که کند روح، فگار

بعد از مرگ سلطان محمود در سال ۴۲۱ هجری قمری، فرخی با دلی شکسته به دیوان سلطان مسعود پیوست و تا پایان عمر، در سال ۴۲۹ هجری قمری علی‌رغم میل خود (چرا که مسعود، مغضوب پدرش محمود واقع شده بود) به ستایش این سلطان مشغول بود.

## \* شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری (پیرهرات):

وی در سال (۳۹۶ ه.ق) ولادت یافت و در سال (۴۸۱ ه.ق) درگذشت. البته نام او بیشتر در فن نثر نویسی شهرت یافته است. وی نثر مسجع را که در ادبیات عرب رواج و نضج فراوان یافته بود در ادب پارسی پایه‌گذاری کرد و هر چند پیش از او یا هم‌زمان با او نمونه‌هایی از این شیوه در دیباچه‌ی برخی کتاب‌های کهن فارسی به چشم می‌خورد اما از خواجه عبدالله به بعد است که نثر مسجع شروع رسمی و قطعی می‌یابد. در دیباچه‌ی کتاب «هدایه‌المتعلمین فی الطب» به تألیف ابوبکر اخوینی بخارایی به سال ۳۷۳ هجری قمری چند جمله‌ی مسجع به چشم می‌خورد که تاریخ تألیف آن، پیش از ولادت خواجه عبدالله است. در دیباچه‌ی کتاب‌های زادالمسافرین ناصر خسرو، روضه‌المنجمین شهرمدان ابن‌ابی‌الخیر و سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک نمونه‌های اندکی از تسجیع دیده می‌شود که همه‌ی این آثار مربوط به نیمه‌ی دوم قرن پنجم هجری و هم‌زمان با آثار خواجه عبدالله انصاری هستند (احمدی گیوی و دیگران، ۱۳۶۹: ۱۳۶).

از آثار منشور وی: ترجمه‌ی طبقات الصوفیة سلمی، مناجات‌نامه، نصایح، زاد العارفين، کنز السالکین، قلندر نامه، محبت نامه، هفت حصار، رساله‌ی دل و جان، الهی نامه و مجموعه‌ی رسایل. نثر موزون خواجه عبدالله را می‌توان شعر منشور نامید (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۷۳). در نظم، رباعیات وی قابل توجه است. اشعار او به زهد صوفیانه گرایش دارد.

## شعرای معروف سبک بینابین عهد سلجوقی (حد وسط سبک خراسانی و عراقی)

اکثر شاعران قرن ششم هجری به سبکی بینابین خراسانی و عراقی شعر می‌سرایند و به جز سرودن قصیده، به غزل نیز توجه دارند (همان: ۱۱۴). از شاعران این سبک می‌توان از سنایی، انوری، خیام، ابوالفرج رونی، عمق بخارایی، رشیدالدین وطواط، جمال‌الدین اصفهانی، ظهیر فاریابی، اثیر اخیسکتی، عبدالواسع جبلی و مسعود سعد سلمان یاد کرد. اگرچه در قرن ششم شاعرانی چون معزی نیشابوری، ادیب صابر، سید حسن غزنوی و لامعی گرگانی هنوز به سبک خراسانی توجه دارند و به

سبک کهن قصیده می‌گویند. از این گذشته در قرن ششم سبکی به نام آذربایجانی نیز رواج می‌یابد که اندکی بعد، ذکر آن خواهد آمد. شاعران برجسته عهد سلجوقی عبارتند از:

#### \* ابوالمجد مجدود ابن آدم سنایی غزنوی:

در سال ۴۷۳ هجری قمری متولد شد. وفات وی به سال ۵۲۵ اتفاق افتاد (سال مرگ وی را ۵۳۵ یا ۵۴۵ نیز ذکر کرده‌اند).

آثار سنایی: مثنوی‌های «حدیقه الحقیقه» مهم‌ترین مثنوی سنایی است که الهی‌نامه هم خوانده می‌شود. «سیرالعباد الی المعاد»، «کنوز الرموز»، «کارنامه بلخ» مبنای این اثر بر مزاح و مطایبه است و به همین جهت، آن را مطایبه نامه هم گفته‌اند، «عقل نامه» طریق التحقیق، مثنوی عشق نامه، مکاتیب سنایی و رباعیات و قطعات و غزل‌هایی نیز در دیوان وی ثبت شده.

ویژگی مهم سروده‌های سنایی: وی اولین کسی بود که عرفان و اصطلاحات و مضامین عرفانی را وارد شعر کرد. مهم‌ترین اثر وی حدیقه الحقیقه از جهت محتوی و مطالب عرفانی و از جهت بلاغت و حسن سبک، سرآمد کتاب‌های اهل تصوف است. (می‌توان گفت دوره خراسانی در ادب پارسی با وی پایان می‌یابد).

#### \* اوحدالدین محمد انوری:

سال تولد وی مشخص نیست. در سال ۵۸۱ (ه.ق) یا ۵۸۵ وفات یافت.

انوری استاد قصیده سرای شعر پارسی و آراسته به هنرهای خوش‌نویسی و موسیقی بوده‌است. او از دانش‌های ریاضیات، فلسفه و موسیقی بهره‌مند بوده و در اخترشناسی تسلطی وافر داشته است اطلاعاتی که از زندگی انوری ابیوردی وجود دارد به گزارش‌هایی باز می‌گردد که در تذکرها و آثار ادبی مانند تذکره دولت‌شاه سمرقندی، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، لباب الالباب عوفی، مجمع الفصحای هدایت و تذکره آتشکده گردآوری شده‌است. همچنین خود آثار انوری نیز گزارش‌هایی از زندگی او به دست می‌دهد.

آثار: دیوان انوری، قریب به پانزده هزار بیت است. این دیوان در قالب‌های شعری مختلفی مانند قصیده و قطعه سروده شده‌است. بیشتر شهرت انوری بر پایه قصاید اوست و اشعار فکاهی و هزل وی عمدتاً در قالب قطعه می‌باشند. همچنین او دو اثر دیگر بنام‌های البشارات فی شرح الاشارات و رساله‌ای در عروض و قوافی از خود بجای گذاشته‌است. کتاب نخست شرح و حاشیه‌ای است که انوری بر کتاب الاشارات ابن سینا نگاشته و به گونه‌ای آن را تفسیر نموده‌است. ویژگی شعر انوری: او استاد قصیده با مضمون مدح و هجو است. او به زبان عربی و علم نجوم آشنایی داشت و در شعرش تأثیر این مسئله دیده می‌شود. قصیده‌های او نماینده کامل سبک دوره سلجوقی است.

#### \* مسعود سعد سلمان:

در سال ۴۴۵ (ه.ق) در همدان متولد شد و در سال ۵۱۵ دار فانی را وداع گفت.

آثار: دیوان قصایدی دارد که به حبسیات معروف است. البته در قصاید و حبسیه‌ها پیش از شروع بَث و شکوا به مدح شاهان و امیران عصر خود نیز پرداخته‌است. وی به سبک بینابین سلجوقی شعر می‌گوید و تغزل‌های منحصر به فردی دارد.

#### \* حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام:

سال تولد وی آشکار نیست اما هم‌عصر غزالی و خواجه نظام الملک بوده است. وفاتش نیز در حدود ۵۳ (ه.ق) اتفاق افتاد.

آثار حکیم: رباعیات و در نثر نیز نوروزنامه، رسالات فلسفی و ریاضی.





ویژگی اشعار: رباعیات حکیم بسیار ساده و روان سروده شده و در خدمت اندیشه فلسفی شاعر است. اندوه شاعر از نادانی اهل دنیا است و سؤالاتی که همواره درباره چستی و چرایی زندگی مطرح می‌کند مهم‌ترین شاخصه شعر خیام است. وی کوتاهی عمر را در اشعارش متذکر می‌شود و مردم را به غنیمت شمردن دم دعوت می‌کند.

### شاعران برجسته سبک آذربایجانی

از شاعران این دوره می‌توان از ابوالعلاء گنجوی، استاد خاقانی نام برد. همچنین باید به مجیرالدین بیلقانی، فلکی شروانی (شاگرد ابوالعلا) و خاقانی و نظامی نیز اشاره کرد. شاعران سبک آذربایجانی علاقه خاصی به طرح اصطلاحات پیچیده و مشکل و گاه به رخ کشیدن معلومات خود در شعر دارند. در واقع به گونه‌ای فاضل‌نمایی می‌کنند. همچنین «دیوان» خاقانی و «خمسه» نظامی و دیگر سرایندهگان سبک آذربایجانی انباشته از ابیاتی است که علاقه این شاعران را به ایران نشان می‌دهد. آنها همچنین به معارف ایران باستان توجه می‌کنند. آنها از بدیع لفظی به ویژه انواع جناس و از بدیع معنوی به ویژه انواع ایهام بهره می‌برند. ترکیبات جدید و بدیع می‌آفرینند و اوج این خلاقیت را باید در آثار نظامی و خاقانی یافت. واژه‌های ترکی و عربی به شعر راه می‌یابد. البته شمار واژه‌های ترکی هنوز اندک است. مباحثی در باره سبک و نقد ادبی و ماهیت شعر در آثار این دوره دیده می‌شود. غزل مقبول شاعران می‌افتد ولی هنوز به قالب برتر بدل نشده است. حماسه در این عهد، بیشتر به مفاخره تغییر یافته است. دلیل رواج مفاخره کم فضیلت بودن ممدوح است که شاعر خواسته جایگاه خود را به وی متذکر شود و توجه و التفات او را به شعر معطوف کند. از قرن ششم عرفان به شعر پارسی راه می‌یابد.

#### \* افضل الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی:

در حدود سال ۵۲۰ ه.ق. در شروان متولد شد. سال وفات وی ۵۹۵ (ه.ق) ذکر شده است. آثار: دیوان قصاید، غزلیات، رباعیات و قطعه. مثنوی تحفه العراقین. ویژگی شعر خاقانی: وجود الفاظ عربی و ترکیبات منحصر به فرد و مهم‌تر از آن آوردن آیات و احادیث و امثال آن. وجود اصطلاحات علم نجوم در شعر وی به وفور دیده می‌شود. همچنین اصطلاحات مربوط به دین مسیحیت.

#### \* حکیم ابومحمد الیاس بن یوسف نظامی گنجه‌ای:

در سال ۵۳۵ ه.ق. متولد شد و در سال ۵۹۹ (ه.ق) درگذشت. آثار حکیم نظامی: خمسه که دارای پنج مثنوی است، با نام‌های مخزن الاسرار که درباره زهد و عرفان است. خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندر نامه. اسکندر نامه خود دو بخش دارد، اقبال نامه و شرف نامه. به جز پنج گنج، دیوانی هم داشته که از بین رفته است. حکمت، اخلاق، پند و اندرز درون مایه تمام اشعار نظامی است.



### شاعران برجسته سبک عراقی

سبک عراقی به لحاظ تاریخی دوره مغولان و ایلخانان و تیموری را در بر می‌گیرد. کانون فرهنگ و شعر از خراسان به عراق عجم و شهرهای مرکزی ایران منتقل می‌شود. دو ویژگی مهم این سبک رواج عرفان و برتری غزل است. اولین غزل‌های فارسی در آثار بازمانده از شهید بلخی و رودکی دیده می‌شود (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۱۰). سنایی به غزل رنگ و بوی عرفانی می‌بخشد و غزل عرفانی در سبک عراقی به اوج می‌رسد. مسائلی چون وحدت وجود، تفوق عشق بر عقل و توجه به بی‌خویشتنی، توجه به عشق حقیقی و آسمانی در برابر عشق مجازی و زمینی در عرفان مطرح می‌گردد. عمر قصیده سنتی در این عهد پایان می‌یابد. بسامد واژه‌های فارسی اصیل کم می‌شود و به جای آنها کلمات عربی جایگزین می‌گردد. معشوق مقامی والا می‌یابد و به طور کلی شعر سبک عراقی بر خلاف سبک خراسانی که برون‌گرا بود، به درون‌گرایی نمایل می‌یابد.

\* شیخ فریدالدین محمد بن ابوبکر ابراهیم (عطار نیشابوری):

سال تولد ۵۴۰ (ه.ق) و سال وفات وی را به احتمال قریب به یقین ۶۱۸ (ه.ق) ذکر کرده‌اند.

آثار منظوم عطار: دیوان قصاید و غزلیات، مثنوی منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و خسرو نامه. همچنین مثنوی‌های پندنامه، اسرار نامه، مصیبت نامه و مختار نامه.

تذکره‌الاولیا: سرگذشت و حکایات مربوط به نود و هفت تن از اولیا و مشایخ تصوف. قبل از عطار نیز جلالی هجویری در کتاب کشف المحجوب و عبدالرحمان سلمی در طبقات الصوفیه نیز چنین کاری را انجام داده‌اند. جدا از دیوان غزلیات و قصاید عطار که از تشخص و تفاخر بسیار برخوردار است. مثنوی منطق الطیر نمونه‌اعلای یک اثر عرفانی به شمار می‌رود که طی داستانی درباره سفر مرغان، هفت مرحله سلوک عرفا را بیان می‌کند. ویژگی شعری: اشعار او غالباً صوفیانه است. غزلیات او عاشقانه، عارفانه و قلندری است. غزل قلندریه با سنایی آغاز شده.

\* مولانا جلال الدین محمد بلخی (مولوی):

جلال‌الدین محمد بلخی در ۶ ربیع‌الاول (برابر با ۱۵ مهرماه) سال ۶۰۴ هجری قمری در بلخ زاده شد پدر او مولانا محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاء‌الدین ولد و سلطان‌العلماء، از بزرگان صوفیه و مردی عارف بود و نسبت خرقه او به احمد غزالی می‌پیوست. وی در عرفان و سلوک سابقه‌ای دیرین داشت و چون اهل بحث و جدال نبود و دانش و معرفت حقیقی را در سلوک باطنی می‌دانست نه در مباحثات و مناقشات کلامی و لفظی، پرچم‌داران کلام و جدال با او مخالفت کردند. از جمله فخرالدین رازی که استاد سلطان محمد خوارزمشاه بود و بیش از دیگران شاه را بر ضد او برانگیخت. سلطان‌العلماء حدود سال ۶۱۰ هجری قمری، مقارن با حمله مغول از بلخ کوچید. روایت شده‌است که مولانا در مسیر سفر، با فریدالدین عطار نیشابوری نیز ملاقات داشت و عطار، مولانا را ستود و کتاب اسرارنامه را به او هدیه داد. سلطان‌العلماء در حدود سال ۶۲۸ هجری قمری جان سپرد و در قونیه به خاک سپرده شد. در آن هنگام؛ مولانا جلال‌الدین ۲۴ سال داشت که مریدان از او خواستند که جای پدرش را پر کند.

سید برهان‌الدین محقق ترمذی، مرید پاکدل پدر مولانا بود و نخستین کسی بود که مولانا را به وادی طریقت راهنمایی کرد. وی سفر کرد تا با مرشد خود، سلطان‌العلماء در قونیه دیدار کند؛ اما وقتی که به قونیه رسید، متوجه شد که او جان باخته است. پس نزد مولانا رفت و بدو گفت: در باطن من علومی است که از پدرت به من رسیده. این معانی را از من بیاموز تا خلف صدق پدر شوی. مولانا نیز به دستور او به ریاضت پرداخت و نه سال با او همنشین بود تا اینکه برهان‌الدین جان باخت.

مولانا در ۳۷ سالگی عارف و دانشمند دوران خود بود و مریدان و مردم از وجودش بهره‌مند بودند تا اینکه شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی روز شنبه ۲۶ جمادی‌الثانی ۶۴۲ نزد مولانا رفت و مولانا شیفته او شد و از آن زمان طبعش در شعر و شاعری شکوفا شد و به سرودن اشعار پرشور عرفانی پرداخت. مریدان که می‌دیدند که مولانا مرید ژنده‌پوشی گمنام شده و توجهی به آنان نمی‌کند، به فتنه‌جویی روی آوردند و به شمس تبریزی ناسزا می‌گفتند و تحقیرش می‌کردند. شمس تبریزی از گفتار و رفتار مریدان رنجید و در روز پنجشنبه ۲۱ شوال ۶۴۳، هنگامی که مولانا ۳۹ سال داشت،

از قونیه به دمشق کوچید. مولانا از غایب بودن شمس تبریزی ناآرام شد. میدان که دیدند رفتن شمس تبریزی نیز مولانا را متوجه آنان ساخت، با پشیمانی از مولانا پوزش‌ها خواستند. مولانا فرزند خود سلطان ولد را همراه جمعی به دمشق فرستاد تا شمس تبریزی را به قونیه باز گردانند. شمس تبریزی بازگشت، اما پس از مدتی دوباره حسادت میدان برانگیخته شد و آزار شمس تبریزی را از سر گرفتند. شمس تبریزی سرانجام بی‌خبر از قونیه رفت و ناپدید شد. تاریخ سفر او و چگونگی آن به درستی دانسته نیست. پس از غیبت شمس تبریزی مولانا توجهی تمام به صلاح‌الدین زرکوب یافت و به مدت ده سال در مقام شیفتگی به او به سر برد. او مردی عامی و ساده دل بود و توجه مولانا به وی آتش حسد کینه‌ورزان را مجدداً برافروخت. با مرگ صلاح‌الدین در اول محرم ۶۵۷ هجری قمری، مولانا به جستجوی یار و همنشین تازه‌ای برآمد و حسام‌الدین چلبی را مورد توجه ویژه خود ساخت. مثنوی معنوی حاصل این هم‌نشینی بوده است. سرانجام مولانا در پنجم جمادی‌الآخر ۶۷۲ هجری بدرود زندگی گفت.

آثار مولانا: مثنوی معنوی، دیوان کبیر (دیوان غزلیات شمس)، از آثار منثور وی نیز کتاب‌های فیه مافیه- مکاتیب و مجالس سبعة را می‌توان نام برد.

اوج غزل عرفانی را در مولوی می‌توان جستجو کرد. مختصات مهم شعری او عبارت است از موسیقی قوی، خاصیت حقیقت‌نمایی، تأثیرگذار بودن از حیث بلاغت، نشاط و غم‌ستیزی، وجه شبه‌های نوین عرفانی، وفور تلمیح، زبان سمبلیک و همچنین وجود عرفانی که ژرف‌ساخت حماسی دارد و می‌توان بدان عرفان حماسی گفت.

### \* فخرالدین ابراهیم بنی بزرجمهر عراقی:

در حدود سال ۶۱۵ ه.ق. متولد شد و سال ۶۸۸ دار فانی را وداع گفت. در یکی از روستاهای فراهان به نام گُمجان (کمیجان) دیده به جهان گشود.

کودکی و نوجوانی عراقی در همدان و اصفهان به کسب دانش و معرفت اندوزی گذشت. از آن پس به مولتان رفت و بعد از مدتی قصد دیار روم در آسیای صغیر کرد و در آنجا از طریق شیخ صدرالدین قونوی با آثار عارف بزرگ آن روزگار، محی‌الدین ابن عربی آشنا شد. علاوه بر این، در شهر قونیه به خداوندگار عشق و عرفان، مولانا جلال‌الدین رومی ارادت خاصی پیدا کرد و خیلی زود مورد توجه مخصوص او واقع شد.

آثار عراقی:

- ۱- **دیوان:** با حدود پنج هزار بیت در قالب‌های قصیده، غزل، ترانه، قطعه، مثنوی و ترجیع‌بندها.
- ۲- **عشاق نامه:** که نام دیگر آن **ده نامه** است. شامل مثنوی و چند غزل که همگی در وزن **حدیقه سنایی** سروده شده‌اند. کهن ترین ده نامه‌ای که در دست است «منطق العشاق» اوحدی مراغه‌ای (۷۳۸-۷۷۳ ه.ق) است. از سخن خود اوحدی برمی‌آید که ده‌نامه او تازگی داشته و ده‌نامه‌های سابق طرز و روش او را نداشته است. شاید آبخور ده‌نامه‌ها، همان نامه‌های ده‌گانه‌ای باشد که فخرالدین گرگانی (متوفی در حدود ۵۴۶ ه.ق) در منظومه «ویس و رامین» آورده است. در این منظومه مشکین دبیر، به خواست ویس، ده‌نامه‌های پیاپی به رامین می‌نویسد. اگر دلیلی نداشته باشیم که این ده‌نامه را از افزوده‌های خود فخرالدین بدانیم، باید بپذیریم که ده‌نامه نویسی سابقه‌ای بسیار دیرین دارد و از آنجا که داستان منظومه **ویس و رامین** از یادگارهای دوره اشکانی است و قدمت منشأ این منظومه به اواخر عهد اشکانیان بازمی‌گردد (اشکانیان: از ۲۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی)، سابقه ده‌نامه نویسی حداقل به هجده قرن پیش می‌رسد. اما تصریح اوحدی به اینکه پیش از ده‌نامه او ده‌نامه‌هایی بوده و دل‌ها از خواندن آنها سیر شده است، می‌رساند که منظور وی فقط نامه‌های ده‌گانه ویس نمی‌تواند باشد و باید در میانه سروده شدن **ویس و رامین** و **منطق العشاق** منظومه‌هایی شبیه به ده‌نامه اوحدی وجود داشته باشد تا اوحدی «قلم در آنها بکشد» و «محبت را جامه‌ای نو بسازد». استاد ذبیح الله صفا بر آن است که روش عراقی در ساختن عشاق‌نامه که به ده‌نامه عراقی نیز معروف است، منشأ ایجاد منظومه‌هایی به نام «ده‌نامه» شده است. (صفا، ۱۳۵۱: ۵۷۶ و ۵۷۷). عشاق‌نامه عراقی منظومه‌ای است شامل ۱۰۶۳ بیت در بحر خفیف (مخبون مقصور یا محذوف) که عراقی آن را به نام صاحب دیوان شمس‌الدین محمد جوینی سروده و به وی تقدیم



کرده است. این منظومه شامل مقدمه‌ای است در توحید، جوهرانسان، تصفیة نهاد، نعت پیامبر(ص) و خلفای راشدین، نصیحت، سبب نظم کتاب، مدح صاحب دیوان، نصیحت ملوک و حکایات.

متن منظومه دارای ده فصل است هر فصل مشتمل است بر مثنوی و غزل. عراقی در این منظومه در هر قسمت، مبحثی از مباحث عرفانی را مطرح کرده و آن را همراه با تمثیل و حکایت به پایان رسانیده است.

**۳- لمعات:** کتابی است به نثر و نظم فارسی که موضوع آن عرفان و سیر سلوک عارفانه است. بعدها چند تن از عارفان بزرگ بر این کتاب شرح و تفسیرهایی نوشته‌اند که از آن میان، شرح جامی با عنوان **اشعه‌اللمعات** از همه مشهورتر است. عراقی استاد غزل به شمار می‌رود. مضمون اشعار وی عمدتاً عشق و سوز و گداز عاشقانه است.

#### \* مشرف الدین مصلح ابن عبدالله سعدی شیرازی:

در سال ۵۸۵ (ه.ق) متولد شد. وی در سال ۶۹۱ وفات یافت.

آثار شیخ: دیوان اشعار، بوستان و گلستان، مجالس پنج گانه، نصیحه الملوک، صاحبیه و خبیثات. صاحبیه، مجموعه چند قطعه فارسی و عربی است که سعدی در ستایش شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی وزیر اتابکان سروده است.

خبیثات مجموعه‌ای از اشعار هزل‌آمیز است.

قصاید سعدی: قصاید عربی سعدی حدود هفتصد بیت است که بیشتر محتوای آن غنا، مدح، اندرز و مرثیه است. قصاید فارسی در ستایش پروردگار و مدح و اندرز و نصیحت بزرگان و پادشاهان آمده است.

مراثی سعدی: قصاید بلند سعدی است که بیشتر آنها در رثای آخرین خلیفه عباسی المستعصم بالله سروده شده است و در آن هلاکوخان مغول را به خاطر قتل خلیفه عباسی نکوهش کرده است. سعدی چند چکامه نیز در رثای برخی اتابکان فارس و وزرای ایشان سروده است.

بوستان:

بوستان کتابی است منظوم در اخلاق در بحر متقارب مثنی مقصور (فعولن فعولن فعولن فعل) و چنان که سعدی خود اشاره کرده است نظم آن را در ۶۵۵ ه.ق. به پایان برده است. کتاب در ده باب تألیف و به ابوبکر بن سعد زنگی تقدیم شده است. معلوم نیست خود شیخ آن را چه می‌نامیده است. در بعضی آثار قدیمی به آن نام "سعدی‌نامه" داده‌اند. بعدها، به قرینه نام کتاب دیگر سعدی (گلستان) نام بوستان را بر این کتاب نهادند.

باب‌های آن از قرار زیر است:

۱. عقل و تدبیر و رای ۲. احسان ۳. عشق و مستی و شور ۴. تواضع ۵. رضا ۶. قناعت ۷. عالم تربیت ۸. شکر بر عافیت ۹. توبه و راه صواب ۱۰. مناجات و ختم کتاب.

گلستان کتابی است که سعدی یک سال پس از اتمام بوستان، کتاب نخستش، آن را به نثر مسجع در هشت باب «سیرت پادشاهان»، «اخلاق درویشان»، «فضیلت قناعت»، «فوائد خاموشی»، «عشق و جوانی»، «ضعف و پیری»، «تأثیر تربیت»، و «آداب صحبت» نوشته است. این کتاب به گمانی تاثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی است.

رسائل نثر: ۱. کتاب نصیحة الملوک ۲. رساله در عقل و عشق ۳. الجواب ۴. در تربیت یکی از ملوک گوید ۵. مجالس پنجگانه از ویژگی‌های شعر سعدی این است که اگر چه سبک وی عراقی است، اما به سبک خراسانی نیز به ویژه در بوستان نظر داشته است. شیوه سعدی در شعر سهل و ممتنع است. غزل او از حیث زبان و معنی و بلاغت در اوج قرار دارد و علاوه بر این آرایه‌های ادبی در شعر او به گونه‌ای هنری و ظریف ارائه شده، آنچنانکه ژرف‌ساختی هنری اما ظاهری ساده یافته است.

#### \* شیخ سعد الدین محمود بن عبدالکریم شبستری:

در سال (۶۷۸ ه.ق) متولد شد و در سال (۷۲۰ ه.ق) بدرود حیات گفت.

معروف‌ترین اثر شیخ، کتاب «مثنوی گلشن راز» است. که در پاسخ به سؤالات دینی و عقاید عرفانی سروده شده است. اثر دیگر شیخ «مثنوی سعادت نامه» است و اثر منثور شیخ نیز «حق الیقین فی معرفه رب العالمین» است.

**\* امیر خسرو دهلوی:**

ملقب به طوطی هند، در سال ۶۵۱ ه.ق در شهر دهلی دیده به جهان گشود و سال ۷۲۵ در تنهایی و اندوه درگذشت و در کنار آرامگاه پیر و مرشد خود، شیخ نظام‌الدین اولیا به خاک سپرده شد. از او پسری ماند به نام ملک احمد که به ویژه در نقد شعر دست داشت.

- امیر خسرو به ویژه در نثر مهارتی داشت و این چیرگی را در کتاب منثور خود، **اعجاز خسروی** به خوبی نشان داده است. آثار منظوم وی به فارسی:

**۱- دیوان.**

**۲- خمسه:** خمسه امیر خسرو شامل پنج کتاب زیر است:

آثار منظوم: دیوان اشعار در پنج دفتر، خمسه امیر خسرو که مانند خمسه نظامی سروده شده: ۱- مطلع الانوار در مقابل مخزن الاسرار نظامی. ۲- شیرین و خسرو مقابل خسرو و شیرین. ۳- مجنون و لیلی در مقابل لیلی و مجنون ۴- آیینة اسکندری مقابل اسکندر نامه ۵- هشت بهشت که مقابل هفت پیکر نظامی سروده شده است. علاوه بر خمسه: منظومه‌های قران السعدین، منظومه دُولرانی و خضرخان، تاج الفتوح، نه سپهر، تغلق نامه، تاریخ علایی و رسایل الاعجاز.

**\* مولانا سیف الدین ابوالمحماد محمد الفرغانی (سیف فرغانی):**

سال تولد نامعلوم است اما مرگ وی در سال ۷۵۰ ه.ق اتفاق افتاد. گفته می‌شود در زمان مرگ بیش از هشتاد سال داشته است. سیف‌الدین محمد فرغانی در شهر فرغانه واقع در ماوراءالنهر زاده شد. - سیف با مولانا ملاقات و مراوده‌ای نداشته، اما با ارادت تمام سعدی شیرازی را ستایش کرد. سبک شعری سیف فرغانی به شیوه سخنوران نامی خراسان بسیار نزدیک است. غزل‌های سیف بیشتر در جواب سعدی شیرازی است. آثار سیف فرغانی: دیوان قصاید و غزلیات.